

میرزا علی محمد

۱۳۳۶ / ۱۱ / ۲۸

۱۳۳۶ / ۱۱ / ۲۸

۱۳۳۶



دانشگاه گیلان

مجتمع هنر و معماری

رساله نهایی کارشناسی ارشد معماری

تقرب به طرح الگوی مطلوب واحد همسایگی مسکونی

در شهر بیرجند

۱۳۸۶ / ۱۱ / ۲۸

اساتید راهنما: دکتر علی غفاری

دکتر حسین مهدوی پور

پژوهش و تدوین:

حسن شیرمهنجی

بهار ۱۳۸۵

۹۴۷۱۷

اطلاعات تماس
تلفن: ۰۱۳۳۲۲۲۲۲
پست الکترونیک: info@gu.ac.ir

قدردانی و سپاس :

بر من واجبست ذکر نام و اظهار سپاس به بزرگوارانی که در طول انجام پژوهش

یاری رسان بوده اند « به رسم قدر شناسی »

اساتید راهنمای ممتز و گرانقدر

جناب آقای دکتر علی غفاری سده

و جناب آقای دکتر مسین مهدوی پور

که امیدوارم قصور و کوتاهی در وظیفه شاگردی را بر من ببخشایند.

و دوستان و همکاران عزیز و بزرگوار :

آقایان : صابری - خادم - زراعتکار - شاد

و خانم ها : برکچی - گندمی - فلتی - قدیری - رضانی - تقدیری - پیر عطا

و سپاس از آقایان احمیدیان و میر مسینی ، مسؤولین ممتز مرکز اسناد و کتابخانه

مجمع هنر و معماری ، که در طول این سالها ، حضور متعدد و متناوب و گاه بی نظم

و خارج از ساعت اداری بنده را با سعه صدر و روی گشاده تحمل نمودند.

ارزیابی:

فهرست مطالب

۱	چکیده
۵	مقدمه
۵	۱- یادداشتی بر عنوان پژوهش
۵	۲- دلایل انتخاب موضوع (اعتبار بیرونی)
۶	۳- دلایل انتخاب شهر بیرجند بعنوان بستر مطالعه و پژوهش
۸	سخن اول
۸	۱- تعریف مسأله
۸	۲- بیان اهداف
۹	۳- روش شناسی
۱۰	منزل اول : خانه مطلوب (سیری در مبانی نظری، بیان نوع نگاه)
۱۴	منزل دوم : بازخوانی مفاهیم
۱۴	۱- زندگی انسان
۱۵	۲- سکونت
۱۶	۳- خانه
۲۰	۴- همسایه و همسایگی
۲۵	منزل سوم : بازشناسی ساختار معنایی-کالبدی «خانه ... همسایگی ... محله» (نگاه تطبیقی دیروز و امروز)
۲۵	۱- خانه مطلوب ، خانه موجود
۲۹	۲- جستجویی در باب علت ها
۳۳	۳- تقرب به مطلوب ، بازگشت به ارزشها
۳۳	۱-۳- مروری بر عرصه زندگی اجتماعی (نگرش معنایی)
۳۵	۲-۳- نگاهی بر ساختار همسایگی و محله در گذشته (نگرش کالبدی)

- منزل چهارم : بستر شناسی
- ۳۸
- ۳۹ ۱- معماری بیرجند، از دیروز تا امروز
(بررسی سیر تحوّل بافت محلات مسکونی)
- ۳۹ ۱-۱- گزیده ای از تاریخ بیرجند (نگاه کالبدی)
- ۴۲ ۱-۲- بافت شهری (مروری بر سیر دگرگونی)
- ۴۵ ۲- مروری بر سناریوی زندگی یک بیرجندی
- ۵۰ ۳- مطالعه تحلیلی گونه های واحد همسایگی مسکونی در شهر بیرجند
- ۵۲ ۳-۱- بررسی تحلیلی واحدهای همسایگی گونه اول
- ۶۵ ۳-۲- بررسی تحلیلی واحدهای همسایگی گونه دوم
- ۷۵ ۳-۳- بررسی تحلیلی واحد همسایگی گونه سوم
- ۸۳ ۳-۴- بررسی تحلیلی واحدهای همسایگی گونه چهارم و پنجم
- ۹۵ ۳-۵- بررسی تحلیلی واحد همسایگی گونه ششم
- ۱۰۴ ۳-۶- بررسی تحلیلی نتایج مصاحبه با ساکنین (گونه های اول تا ششم)
- منزل پنجم : در جستجوی اصول، مبانی و معیارها
- ۱۰۹
- ۱۰۹ ۱- ارزش شناسی (تلمذ در معماری گذشته)
- ۱۰۹ ۱-۱- تأملی در باب لزوم پژوهش در معماری بومی
- ۱۱۵ ۱-۲- معماری بومی ایران و آموزه های فرهنگی
- ۱۱۹ ۲- رابطه انسان و محیط
- ۱۱۹ ۲-۱- تعادل از دست رفته
- ۱۲۲ ۲-۲- اسلام و طبیعت
- ۱۲۴ ۲-۳- انسان، طبیعت، معماری (بعد ادراکی)
- ۱۳۰ ۲-۴- پاسخگویی به اقلیم (بُعد تنظیم شرایط محیطی)
- ۱۳۸ ۲-۵- معماری ایران و طراحی شهری پایدار
- ۱۴۶ ۳- سازمان های فضایی در مجموعه های مسکونی (واحدهای همسایگی)
- ۱۴۷ ۳-۱- سازماندهی مجموعه ای (گروهی)
- ۱۴۹ ۴- تنظیم عرصه ها (ادراکی - رفتاری) در مجموعه های همسایگی
- ۱۶۰ ۴-۱- «حیاط» عرصه خصوصی خانواده

۱۶۳ ۵- کیفیت‌های کالبدی - فضایی (در سازماندهی مجموعه ای واحدها)

۱۶۳ ۵-۱- توالی فضایی

۱۶۷ ۵-۲- وحدت و تنوع

۱۶۹ ۵-۳- مقیاس انسانی (مردم‌واری)

۱۷۱ ۵-۴- خوانایی

۱۷۲ ۵-۵- سلسله مراتب

۱۷۳ منزل ششم: رهیافتی به تدوین اصول و مبانی و معیارهای طراحی

۱۷۹ سخن آخر

۱۸۰ ضمیمه: مصاحبه با ساکنین گونه‌های واحد همسایگی در شهر بیرجند

منابع و مأخذ.

چکیده:

این پژوهش قصد دارد تا با مروری مجدد و نگاهی عمیق و آگاهانه به مبانی نظری «عینی و ذهنی» شکل گیری عرصه های سکونتی «مسکن و مجموعه های مسکونی» با توجه ویژه به فضای همسایگی « مؤکداً مسکونی »، روش و مسیر دستیابی به طرح « مطلوب » آنچه باید باشد و نیست» را مورد توجه قرار داده و با اندیشه ژرف در معیارها و ملاک ها ، در تنظیم و تدوین اصول و مبانی طراحی فضای همسایگی در بستر مورد نظر « شهر بیرجند» بکوشد.

پس از توضیح عنوان پژوهش و ذکر دلایل و اعتبار موضوع و دلایل توجیهی انتخاب بستر در « مقدمه » در « سخن اول» به بیان علمی و تعریف دقیق مسأله ، ذکر اهداف « کلان - خرد» و توضیح روش برخورد با موضوع و نحوه انجام پروژه پرداخته شده است. « جنس و ماهیت موضوع رساله و روش شناسی متناسب و هم شأن ».

بر مبنای ماهیت موضوع رساله « تقرّب = مرحله به مرحله حرکت کردن و نزدیک تر شدن به مطلوب» عنوان بندی فصول میانی پژوهش با نام « منزل » صورت گرفته است . حرکت از هر منزل تا منزل بعدی ، پیمودن بخشی از راهست با آموخته های نو، تجربه های تازه تر و احتمالاً طرح سوالات جدید و ترغیب به ادامه راه در جستجوی پاسخ ها و در نهایت هر چه پیشتر رود ، افقها وسیعتر و بینش روشنتر گردد.

در منزل اول با تکیه بر سیری آگاهانه در مبانی نظری و نوع نگاه ، به بیان هدف غایی زندگی انسان پرداخته شده است که همانا حرکت از موجود است به سمت مطلوب «حق» و طی این مسیر مستلزم زندگی سعادت‌مندانه در پرتو جهان بینی الهی است.

انسان رانده شده از بهشت «خانه مطلوب» در برهوت دنیا ، حیران و سرگردان ، در جستجوی مأمن و پناهگاه « سعی» می کند و هر زمان با مرور نقش آن « سرا » در لوح ضمیر ناخودآگاهش ، کوشیده است آنرا در قالبها و صورتهای اینجهانی تجسم بخشد.

در منزل دوم با تأکید بر « بازخوانی» ، سعی در تعمق و تدبری مجدد در مفاهیم پایه « ۱- زندگی انسان ۲- سکونت ۳- خانه و ۴- همسایه و همسایگی » شده است.

تأمل در معنای سکونت و زندگی در جهان بینی فرد مسلمان و مترادف معنایی آن با « آرامش » و « آرام گرفتن» ، قطعاً در اصلاح نوع نگاه غالب امروز به « خانه » بعنوان سرپناه یا ماشینی برای زندگی بسیار مؤثر خواهد بود. توصیف « خانه » بعنوان مقام آرامش و فضای خلوت افراد و خانواده در کنار توصیف « همسایگی » بعنوان اولین عرصه تعاملات اجتماعی افراد ، بیانگر نوعی از تعادل در رابطه « خانه » و « همسایگی » است که بررسی موشکافانه آن در فصول بعد ، در دستیابی به معیارها و مبانی همه جانبه نگر بسیار مثمر خواهد بود.

در منزل سوم، باهدف «درس آموزی» از گذشته و بانگاهی واقع نگر، «عینیت» حرکت درمسیراز موجود به مطلوب (که روند «ذهنی» آن درمنزل اول طی شد) مورد نظر قرار گرفته است. نگاه تطبیقی دیروز و امروز درعین پرهیز از نگرش های تقلیدی و بی پشتوانه، فتح بابی است در جستجوی علت ها و یافتن پاسخ برای «چراها».

«چرا خانه امروزی نه چیزی برای تعلق خاطر دارد و نه دیگر حریم خانواده است؟»
و یا اینکه «چرا با آنکه خانه هایمان نسبت به گذشته راحت تر شده اند باز آهنگ وجودمان در آنها گنگ و خاموش است؟»
و بسیاری «چرا» های دیگر.

و همانا نهایت پاسخ ها، «بازگشت به ارزشها» ست. مروری بر عرصه زندگی اجتماعی از بعد معنایی و نگاهی بر ساختار همسایگی و محله در گذشته از بعد کالبدی ما را با بسیاری از گوشه و زوایای پنهان در ساختارها و بنیانهای اصیل و بی بدیل معماری ناب گذشته سرزمینمان آشنا می سازد. در منزل چهارم و با عنوان «بستر شناسی» در سه بخش، بستر مطالعه و پژوهش یعنی شهر بیرجند معرفی و تحلیل شده است.

گزیده ای در ۱۷ بند از تاریخ بیرجند «مروری باختصار در حد آشنایی»، بررسی عمومی بافت شهری و روند مداخلات و دگرگونی ها و تغییرات ماهیتی در معماری و بافت در بخش اول آمده است. در بخش دوم و با تکیه بر بحث «فرهنگ»، بررسی خصائل، ویژگی ها، آداب و سنن، شیوه های زندگی اجتماعی بومی و صفات برجسته روحی و روانی مردم این دیار تحت عنوان «سناریوی زندگی یک بیرجندی» آمده است.

و در بخش سوم و برپایه مطالعات و وسیع میدانی در سطح محلات شهر بیرجند «قدیمی و جدید» گونه های متعدّد واحد همسایگی «بادرجات کیفیت فضایی مختلف» شناسایی و در هر گونه (حسب اهمیت گونه) تعدادی نمونه انتخاب و مورد بررسی و تحلیل دقیق قرار گرفته اند. اصول و مبانی و معیارهای مورد نظر در قالب پارامترهای فیزیکی و غیر فیزیکی در هر گونه معرفی و بررسی شده است و بسیاری از نتایج مورد نظر جهت دستیابی به اصول و مبانی طراحی فضای همسایگی مطلوب در بستر مورد نظر در خلال تحلیل ها ارائه شده است.

مصاحبه با ساکنین از جهت انتقال ادراک حاصل از لمس و تجربه فضا در تمام نمونه های مورد بررسی و سعی در ترجمه معماری این نتایج، دیگر بخش برداشت های میدانی و تحلیل های فنی این منزل است که بررسی نتایج این تحلیل ها در انتهای بخش سوم آورده شده است.

در منزل پنجم و با تکیه بر نوع نگاه جستجو گر در ۵ بخش به کلیات و جزئیات پارامترهای کیفی و کمی تأثیر گذار در شکل گیری عرصه همسایگی مسکونی پرداخته شده است. نوع نگاه تحلیل گر و «درس آموز» که حاصل منازل پیشین است در بخش اول این منزل تحت عنوان «ارزش شناسی» نمود عینی یافته است. مروری بر نحوه شکل گیری مجتمع های زیستی کهن و نحوه تأثیر

عوامل مختلف محیطی، اجتماعی، فرهنگی و... و پذیرش این واقعیت که «بوم» و شناخت کامل مشخصه های آن، رمز پیدایش، ماندگاری و پایداری هراثر معماری یا پیکره شهری است در قسمت اول این بخش، مدخلی است جهت بررسی عینی و ذهنی معماری بومی سرزمین ایران و تأملی در ویژگیها و تأثیرات متقابل معماری، فرهنگ و محیط در قسمت دوم بخش اول.

در بخش دوم با عنوان «رابطه انسان و محیط» با اشاره ای به توازن و تعادل از دست رفته انسان و طبیعت که حاصل تفکر غلبه بر طبیعت در دوران معاصر است و با رجوعی به آموزه های فرهنگ اصیل اسلامی که بیانگر رابطه انسان با طبیعت بر پایه احترام است در ادامه به بیان تفصیلی نمود رابطه همسازی با محیط و طبیعت در فضاها و عرصه های معماری پرداخته شده است.

نخست از بعد ادراکی و با این نگاه که طبیعت که محیط بر انسان است و از فرش زمین و هر چه زیر آن است تا سقف آسمان همه چیز را شامل می شود، موافق با آموزه قرآنی خود همچون کتاب خداوند در بردارنده آیه ها و نشانه های پروردگار است و رو کردن به آن، انسان را به مبدأ هستی رهنمون می شود. و سپس از بعد تنظیم شرایط محیطی با بررسی راهکارهای معمارانه پاسخگویی به شرایط اقلیمی بر اساس شناخت محیط طبیعی و همسازی با آن.

و در انتها با معرفی دیدگاه طراحی شهری پایدار، معماری گذشته شهرهای کویری ایران از این زاویه مورد نقد و بررسی قرار گرفته که نتیجتاً با بیان این معماری بعنوان «الگوی شهر فشرده ایرانی» به بررسی راهکارهای مورد استفاده در بافت معماری این شهرها جهت انطباق با ساختارهای محیطی پرداخته شده است.

در بخش سوم این منزل، انواع سازمان های فضایی در مجموعه های همسایگی معرفی و تحلیل شده اند و سازماندهی مجموعه ای «گروهی» خانه ها بعنوان الگوی برتر و کارآمد «باتوجه به ویژگی عرصه های مورد نیاز در تعاملات اجتماعی-فرهنگی همسایگان» در قالب مفاهیم و مصادیق بطور کامل بررسی شده است.

تعریف و تنظیم صحیح عرصه های ادراکی - رفتاری بعنوان عمده ترین دغدغه طراحی فضای همسایگی در بخش چهارم آمده است.

نتیجه مرور نظام سلسله مراتبی شهرها و محلات در گذشته و بررسی لزوم رعایت حریم ها در فضای مسکونی در این بخش بطور کلی پیرامون دو محور عمده شکل گرفته است: اول تأکید بر احیای عرصه نیمه خصوصی در قالب فضای مشترک همسایگی و دوم تعریف فضای باز «حیات» بعنوان عرصه خصوصی خانواده ها.

۱- اصطلاح از آقای دکتر کوروش گلکار - «طراحی شهری پایدار در شهر های حاشیه کویر» - فصلنامه هنر های زیبا - شماره ۸

ودر انتهای این منزل در بخش پنجم، کیفیتهای کالبدی- فضایی در سازماندهی گروهی واحدهای مسکونی که متضمن خوشایندی فضای مشترک همسایگی و تأمین ادراکات مطلوب ذهنی وبصری برای ساکنین وعابرین خواهد بود در ۵ دسته کلی معرفی و نقد شده اند.

در انتهای رساله و در منزل ششم، با عنوان رهیافتی به تدوین اصول و مبانی و معیارهای طراحی، در واقع بیانی خلاصه از تحلیل های منطبق بر عینیت ها و واقعیت های موجود در بستر انتخابی (منزل چهارم) و نتایج جستجوی پردامنه منزل پنجم، در قالب گزاره های حکم گونه ارائه شده است.

« ۴۴ گزاره ».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه :

۱- یادداشتی بر عنوان پژوهش :

« تقرّب به طرح الگوی مطلوب واحد همسایگی مسکونی در شهر بیرجند »
مراد از « تقرّب به طرح » ، همانا تأکید بر شیوه و روند رسیدن به طرح مطلوب و تعمیق و تأکید بر اصول و مبانی و معیارهای طراحی است.
در پروژه حاضر، سعی بر آن بوده که بیش از آنکه به طراحی موردی در سایت مشخص « با موقعیت، همجواری، ابعاد تناسب و... و پارامترها و ویژگیهای کمی و کیفی خاص » پرداخته شود، در جهت وضوح بخشیدن به کمیات و کیفیات طرح مطلوب « قابل تعمیم در بستر انتخابی »، با توجه به خصوصیات و ویژگیهای خاص کالبدی - فرهنگی - اجتماعی و... منطقه « بیرجند » به تدوین و تنظیم اصول و مبانی پرداخته شود.
مفهوم « همسایگی » در معنای عام و گسترده آن می تواند در برگیرنده مصادیقی غیر از « همسایگی مسکونی » نیز باشد « همانند همسایگی در بازار » ؛ اما در این پروژه با توجه به اهمیت و حساسیت بحث مسکن و « خانه » که ذکر دلایل آن به تفصیل خواهد آمد ، مفهوم همسایگی در فضای مسکونی مورد نظر و بحث خواهد بود.
شهر بیرجند « مرکز استان خراسان جنوبی » بعنوان بستر مطالعه و پژوهش در نظر گرفته شده است که دلایل انتخاب آن، نیز در ادامه خواهد آمد.

۲- دلایل انتخاب موضوع: (اعتبار بیرونی)

اهمیت و حساسیت « خانه » و مسکن و پیچیدگیها و ظرایف طراحی عرصه مسکونی بر هیچ کس پوشیده نیست. علی الخصوص آنجا که صحبت از اصالتهای فرهنگ بومی و پابندی به ارزشها و آرمانها به میان آمده و پژوهشگران و طراحان می بایست با تعمق و تدبّر در حیطه فرهنگ، خالق فضاهایی باشند که فراتر از سر پناه بوده و بتواند محل امن، سکنی و آرامش انسان باشد.
« و الله جعل لكم من بيوتكم سكناً » و خدا برای سکونت شما منزل هایتان را قرار داد^۱

۱- سوره نحل- آیه ۸۰

مسکن مامن است و مأوا... آدمی بیشتر عمر خویش را در این « معماری » می گذراند؛ پس شایسته است که معمار با کسب شناخت و معرفت لازم نسبت به بنیانها و « ساختارهای اجتماعی و رفتاری »، در صورت دادن و تجسم بخشیدن به اهداف کالبدی و غیر کالبدی بکوشد. گسترش ناموزون و نامتعادل بافتهای شهری ایران در دهه‌های گذشته، به قیمت تضعیف و یا از دست دادن بسیاری از « ارزشهای انسانی » حاکم بر معماری و شهرسازی تمام شده است و در این میان، وجود ناپهنجاری ها و معضلات فراوان موجود در مسکن امروز، از جنبه های مختلف: کیفیتهای کالبدی- فضایی، تنظیم عرصه های رفتاری، سازگاری با محیط طبیعی- اجتماعی و... پرداختن به مقوله « مسکن » و مجموعه های مسکونی را اعتبار و توجیه لازمه خواهد بخشید. با تأمل در ساخت و سازهای مسکونی چند دهه اخیر شهرهای ایران، بوضوح شاهد کم رنگ شدن « روح همسایه و همسایگی » و پیوند واحدهای مسکونی بر اساس مفهوم والای « همسایگی » خواهیم بود و این خود، لزوم مطالعه و پژوهش در جهت تدوین اصول و معیارهای طراحی مجموعه های همسایگی با تکیه بر جنبه های نظری و معنایی « خانه »، را دو چندان می سازد.

۳- دلایل انتخاب شهر « بیرجند » بعنوان بستر مطالعه و پژوهش :

۱- عمده پژوهشها و مطالعات در زمینه های مذکور، در سالهای اخیر، در طیف خاصی از شهرهای ایران « یزد، بوشهر، تبریز و... » بعنوان نماینده اقلیمهای مختلف « انجام شده است و در بسیاری از شهرها « مانند بیرجند »، یا تحقیق جدی و قابل استنادی انجام نشده است و یا عموماً پژوهشها تک بعدی و محدود بوده و به سختی می توان از آنها به راهکارهای عینی رسید.

۲- سرعت گسترش بافتهای جدید شهری در بیرجند و کیفیت بسیار پایین فضاها و مجموعه های مسکونی جدید به جهت « پیوند همسایگی » مطروحه .

۳- وجود ۹۵ هکتار بافت با ارزش معماری « بافت تاریخی » در شهر بیرجند بعنوان شاهدی زنده از گذشته که در طول زمان مورد بی مهری قرار گرفته و آرام و استوار، اسرار خویش را حفظ نموده و با وجود زخمها و جراحتهای بسیار حاصل از نامالایمتها و جهالتها، همچنان به حیات خویش ادامه می دهد.

... و رسالت « من » معمار و محقق، قطعاً تلاش است برای « کشف آهنگ حقیقت » با باز خوانی « سناریوی زندگی در این معماری ».

۴- تجربه شخصی نگارنده در امر پژوهش و طراحی، هم در بافت قدیم و هم در بافتهای جدید شهری بیرجند و آشنایی با وضع موجود و احساس لزوم انجام مطالعات مذکور (عنوان رساله)
* پروژه بزرگ « ساماندهی و احیای بافت تاریخی بیرجند » از سال ۱۳۸۲ در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با مدیریت نگارنده آغاز شده و این حقیر به عنوان یکی از اعضای شورای راهبردی بافت بیرجند ، همواره ضرورت نگاهی عمیق و کارآمد به ارزشهای نهفته در این معماری را احساس کرده است.

۵- احساس مسؤولیت در قبال معرفی و شناساندن فرهنگ معماری اصیل و ناب این نقطه از سرزمین عزیزمان که کمتر شناخته و شناسانده شده است . (به عنوان یک شهروند بیرجندی)

سخن اول:

۱- تعریف مسأله:

«الگوی بهینه و مطلوب واحد همسایگی مسکونی در شهر بیرجند، از نقطه نظر کیفیتهای کالبدی- فضایی و تنظیم عرصه های رفتاری چگونه است؟»

آنچه در این رساله مورد توجه و نظر خواهد بود، طی روندی آگاهانه با ذهنی نقادانه و تحلیل گر در رابطه با طرح ریزی فضاهای سکونتی «مسکن و مجموعه همسایگی» در بستر انتخابی با نگاهی عمیق به مفاهیم و معیارهای اصولی «کالبدی- غیر کالبدی» است. تأکید ویژه بر «فرآیند طراحی»، تعمیق در تبیین و تدوین اصول و مبانی طراحی را در این رساله ناگزیر می سازد.

۲- بیان اهداف:

در یک نگرش کلان، انسان سرگشته دور افتاده از اصل خویش، در هجر و فراق کاشانه و مأوای حقیقی خود، همواره در پی سیر از «موجود» به «مطلوب» بوده؛ گاه به خطا رفته و گاه نیز قدم در «صراط مستقیم» نهاده است. این پژوهش نیز در بعد کلان، بدنبال چنین هدفی است: «حرکت و تلاشی در جهت حرکت به سمت مطلوب».

در راستای هدف کلان، تأثیر گذاری مثبت و اصلاح در روند شکل گیری فضاهای سکونتی جدید «مسکن- همسایگی ها- محلات» در بستر انتخابی «که به جهت «پیوند همسایگی» مورد نظر کیفیت نازل دارند» در مقام یک شهروند مسؤول هدفی کلی در این رساله به شمار می رود. و در این جهت، اهداف خرد، در دسته های مشخص و حسب ضرورت های تحقیق، دنبال می شوند. احیای ارزشهای فرهنگی نهفته در روابط مطلوب همسایگی، بازخوانی و بازشناسی ساز و کارهای عمیق و همه جانبه نگر فرهنگی- اجتماعی کالبدی در مجموعه ها و بافت های تاریخی «مطالعه موردی: بافت شهر بیرجند» و «درس آموزی» و «دانش» آموزی از گذشتگان «بصورت خاص در تنظیم صحیح عرصه های رفتاری در فضای همسایگی».

۳- روش شناسی :

در این که شیوه ، ابزار و روش تحقیق باید متناسب و باصطلاح « از جنس » موضوع تحقیق باشد تردیدی نیست .

در این رساله ، در جهت تعمق در لایه‌های پنهان و آشکار معماری ارزشمند گذشته و بمنظور بیانی کارآمد و به روز از اصول و مبانی طراحی ، سعی بر آن بوده تا با بهره گیری از شیوه ها و ابزارهای مکمل ، نتایجی هر چه عمیق تر حاصل گردد.

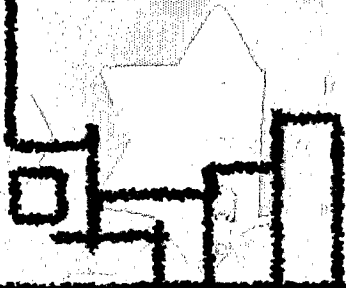
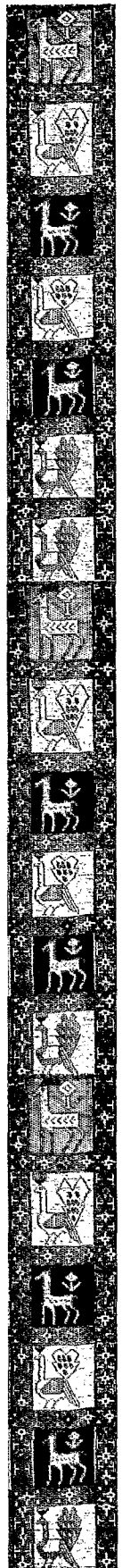
بررسی های میدانی گسترده و مطالعه موردی روابط ، کمیت ها و کیفیت ها، در گونه های مختلف همسایگی در سطح شهر بیرجند « چه در بافت قدیم و چه در بافت های شهری معاصر » ، و تحلیل « مقایسه تحلیلی » مستندات بر پایه معیارهای مستخرج از پژوهشهای مفهومی و بنیادین پایه « فصول ابتدای رساله » « نگرشی مکمل غیر کالبدی → ← کالبدی » ، ما را در انتها به سمت تنظیم و تدوین اصول و مبانی طراحی فضای « همسایگی مطلوب » رهنمون شده است.

قطعاً به جهت روح حاکم بر معنای اصیل « خانه » و « همسایگی » ، نگاهی صرفاً کالبدی به واحد همسایگی « اگر چه در لفظ ، ترجمه ای با رنگ و بوی کالبدی بنظر می آید » ، کارآمد نخواهد بود و سبب عدم پرداخت به عمق معنا و سطحی نگری خواهد شد.

خانه مطلوب (سپهری در حیاتی نظری بیان نوع نگاه)

محل

اول



منزل اول : خانه مطلوب (سیری در مبانی نظری ، بیان نوع نگاه)

« و چنانکه هنر از آسمان به زمین آمده است برای شناخت هنر باید دامن صورت را گرفت و به دنبال او به سرزمین خیال و سپس به عدم آباد رفت :

گیریم دامن گل و همراه او شویم (قصان همی رویم به اصل و نهال گل (دیوان شمس))^۱

انسان موجودی الهی است . در این دنیا ، همچون سرگشته ای دور از « اصل خویش » حیران و سرگردان در جست و خیز و تکاپوست . هرآنگاه که راه صحیح را یافته و ذات و اصل خود را شناخته ، سعی کرده بسوی آن حرکت کند .

..... و چون « مطلوب » همواره برتر و بالاتر از مادیات و محسوسات این جهان بوده « هنرمندان » کوشیده اند . تا این مفاهیم والا را در قالب « صورت » ها تجسم بخشند و عرضه کنند



هنرمند معمار ، نیز در « اعتراض به وضع موجود » و در پی ترسیم تصویری از وضع مطلوب ، در طول تاریخ « با الهام از وعده های راستین آسمانی » ، « آرمانشهر » هایی را طرح کرده است^۲ ، که در آن ها زندگی آنگونه که « باید » جریان دارد.^۳

از جداییها شکایت می کند

باز جوید روزگار وصل خویش

(دفتر اول مثنوی)

انسان رانده شده از بهشت ، در برهوت دنیا ، حیران و سرگردان ، در جستجوی مأمن و پناهگاه ، سعی و تکاپو می کند ، « گم کرده ای که ره می جوید » ؛ گاه به خطا رفته و از مسیر حق دور می شود و گاه به بهره گیری از مشعل های هدایت ، قدم در صراط مستقیم گذاشته و به سمت معبود و مقصود خود می شتابد ...

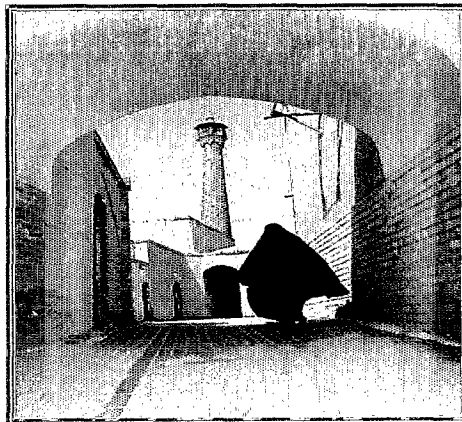
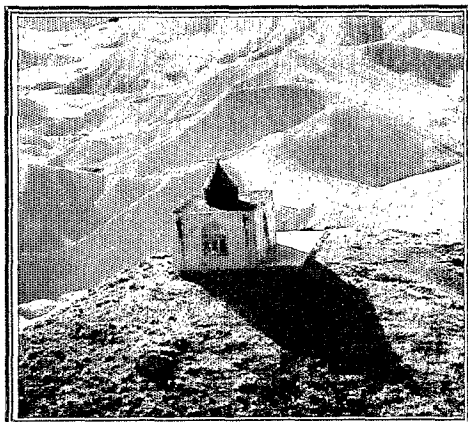
بشنو ازنی چون مکایت می کند

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

۱ . مقالات - حسین الهی قمشه ای
۲ . در فرهنگ ها و ادبیات های مختلف ، طرح این آرمانشهرها به چشم می خورد ؛ بانامهای متفاوتی چون : آرمانشهر - مدینه فاضله - یتوپیا و
۳ . « هنر پنجره ای است به دنیایی که باید باشد و نیست . » - دکتر علی شریعتی

در این « سیرالی الحق »^۴ (سیر الی الله) هر زمان ، جلوه ای از جمال بی همتای خداوندی ، بر عارف و سالک مکشوف شده و چراغ هدایتی می گردد تا رسیدن به سرمنزله بعدی بریدن و رها شدن دل کندن از هر دلبستگی که بند است و مانع حرکت .

« انسانها عاشق موجوداتند و از خود نمی پرسند که آخر اینها از کجا می آیند و به کجا می روند و دیار اصلیشان کجاست . به قول شکسپیر: « با من بگوی که این خیالات خوش را در کدام کارگاه می بافند »



تورا ندید به گلشن دمی نشست و بفاست
که هویبار سعادت که اصل جاست کجاست

(دیوان شمس)^۵

دو سه روزی قفسی سافته اند از بدنم
به امید سرخویش پروبالی بزنم
آنکه آورد مرا باز برد تا وطنم

(مولوی)

انسان سرگشته دور افتاده از اصل خویش ، در هجر و فراق کاشانه و مأوای حقیقی خویش ، در طول زمان ، ذات و اصل خود را به فراموشی سپرده و با مشغول شدن به صورتهای اینجهانی ، روز به روز از راه حقیقی اتصال به معبود فاصله گرفته و غرق در خوشیها و دلبستگیهای ناپایدار گشته است .

گرایمن بودی از باد فزانی
که چون جاترم کردی گویدت فیز

(نظامی گنجوی)

پرپر جان من از عشق سوی گلشن رفت
برون دوید زگلشن چو آب سجده کنان

مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم فای
ای فوش آن روزکه پرواز کنم تا بردوست
من به فود نامدم اینجا که به فود باز روم

چه فوش باغی است باغ زندگانی
از آن سرد آمد این کاغ دلاویز

۴. سیر الی الحق - سیر از موجود به مطلوب - « تقریب »
۵. مقالات - حسین الهی قمشه ای

و به تعبیر آسمانی قرآن :

« زندگی دنیای شما بی گمان به آبی ماند که ما از آسمان فرو فرستیم .
تا بدان باران ، گیاهان گوناگون « که آدمیان و چارپایان از آن روزی خوردند » بروید ،
تا آنگاه که زمین از سبزی و خرمی زیوری تمام یابد
و مردمان خود را بر آن باغ و صحرا توانا پندارند ، که ناگاه فرمان ما به شب یا به روز در رسد ، و زمین
چنان خشک شود که گویی دیروز در آن هیچ نبوده است »^۶

هر چه در این راه نشأنت دهند گرنستانی به از آنت دهند

(نظامی گنجوی)

... در این میان ، « هنرمند » باید که مفاهیم و « حقایق » را در صورتهای ملموس و کالبدها تجسم
بخشد تا بانمودن آن به انسانها ، تصویری از « مطلوب » را در پیش رویشان گذاشته و آنها را به حرکت
در « صراط مستقیم »^۷ ترغیب کند . « مولانا عاشق عدم آباد است که قماش جمله هستیها در آن جا
بافته می شود هنرها نیز از قاف عدم و قلّه بی رنگی سرچشمه می گیرند و بر دشتهای عالم صورت
روان می شوند .

شراب و شمع و شاهد عین معنی است که در هر جلوه ای او را تجلی است»

(گلشن راز - شیخ محمود شبستری)

بدین سان جان هنر از غیب الغیوب اندیشه هنرمند پای به عالم تماشا می گذارد و خلق را
فرا می خواند که :

ای بستگان تن به تماشای جان روید زیرا رسول گفت تماشا مبارک است .

(دیوان شمس)^۸

« بهشت » ، این خانه آخر ، همان مأوایی است که انسان در آن برای اولین بار قدم به منصفه ظهور
گذاشت و سپس با چیدن میوه ممنوع ، عصیان کرد و از آن جا رانده شد ؛ ولی نقش آن را همواره در لوح
ضمیر ناخودآگاهش به خاطر داشت و آرزوی بازگشت به آن برترین مأواها را در سر می پرواند



۶. یونس / ۲۴

۷. طراط مستقیم راهی است از « موجود » به « مطلوب » (حق)

۸. مقالات - حسین الهی قمشه ای